

نقش سبک‌های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان با توجه به وضعیت اشتغال مادر

معصومه عمرانیان* راضیه شیخ‌الاسلامی**

چکیده: هدف این تحقیق بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی (دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) با ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی (نیاز به استقلال، شایستگی و مرتبط بودن) با توجه به وضعیت اشتغال مادران است. به این منظور ۴۰۹ دانش‌آموز دبیرستانی به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای برای پاسخگویی به پرسشنامه سبک‌های دلبستگی شارپ و همکاران (۱۹۹۸، به نقل از گیلبرت و آیرونز، ۲۰۰۵) و مقیاس ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی (گانیه، ۲۰۰۳) انتخاب شدند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد سبک دلبستگی ایمن، ارضای نیاز به مرتبط بودن را به طور مثبت و معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. این سبک با ارضای نیاز به شایستگی و نیاز به استقلال رابطه معنی‌داری نداشت، سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، ارضای هر سه نیاز اساسی روان‌شناختی را به طور منفی و معنی‌داری پیش‌بینی می‌کنند و رابطه معناداری بین وضعیت اشتغال مادر و ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال زنان، سبک‌های دلبستگی، ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی، خودتعیینی.

مقدمه و طرح مسئله

تجربیات اولیه هر فردی، تأثیر مهمی بر رشد شخصیت و رفتار او در بزرگسالی دارد. از جمله این تجربیات می‌توان از یک رابطه عاطفی قوی با مراقب اولیه (که غالباً والدین می‌باشند) نام برد. رابطه عاطفی قوی با مراقب که از آن تحت عنوان دلبستگی^۱ (بالبی،^۲ ۱۹۶۹، به نقل از سیگل‌من و رایدر^۳، ۲۰۰۹) نام برده

omasi@yahoo.com

sheslami@shirazu.ac.ir

* کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

** استادیار روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، نویسنده مسئول

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۷/۱۹ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۰۲/۱۶

1. Attachment

2. Bowlbey

3. Sigelman & Rider

نقش اساسی در ویژگی‌های روان‌شناختی کودک دارد. بسیاری از نیازهای کودکان از طریق تشکیل دلبستگی آن‌ها با مراقبین خود برآورده شده و به این ترتیب زمینه رشد مطلوب و بهینه آن‌ها فراهم می‌گردد. شکل‌گیری دلبستگی ایمن بین فرزند و مراقب موجب می‌گردد که کودک به طور مستقل به کاوش در محیط اطراف بپردازد، رفتار اکتشافی وی تسهیل شود (بلانچارد، آمیوت، پریولت، والرند، و پروونچر^۴، ۲۰۰۹) و خود را در محیط به صورت مؤثرتر ادراک کند (جانستون، فینی^۵، ۲۰۱۰). همچنین این که کودک کدام فعالیت‌ها را مهم و با ارزش بداند با نیاز وی به برقراری ارتباط و تعامل با دیگران مرتبط است، زیرا در نهایت چیزهایی برای او با ارزش است که افرادی که با آن‌ها رابطه نزدیکی دارد نیز آن‌ها را با ارزش بداند (ریو^۶، ۲۰۰۱، ترجمه محمدی، ۱۳۸۲).

از موضوعات دیگری که در خصوص سبک‌های دلبستگی مطرح شده و از مباحث اساسی در نظریه بالبی (۱۹۶۹، به نقل از سیگلمن و رایدر، ۲۰۰۹) می‌باشد، جدایی مادر-کودک است. هر نوع جدایی اعم از دائم یا موقت به خصوص در دوره حساس (۶ ماهگی تا ۳ سالگی) می‌تواند به دلبستگی نایمن در کودک منجر شود. غیبت مادر در طول روز از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده وضعیت عاطفی کودک است. بر این اساس، پژوهش حاضر به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان با توجه به وضعیت اشتغال مادران آن‌ها پرداخته است.

مرور ادبیات و چارچوب نظری

یکی از برجسته‌ترین مفاهیم روانشناسی معاصر، مفهوم دلبستگی است (محمدی، ۱۳۸۹). دلبستگی یک رابطه عاطفی قوی است که فرد را به یک دوست صمیمی متصل می‌کند (برک، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۸) و طی آن لذت، مراقبت و آرامش تبادل می‌شود (جعفرزاد؛ مقدم حسینی؛ سلطانی‌فر؛ ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸). با نفوذترین نظریه در مورد دلبستگی والد-فرزند، نظریه بالبی (۱۹۸۸، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰ و ۱۹۶۹، به نقل از سانتراک^۷، ۲۰۰۹) است. بالبی (۱۹۶۹، به نقل از محمدی، ۱۳۸۹) به توضیح این نکته پرداخته است که چگونه کودک از نظر هیجانی، نسبت به شخصی که وظیفه نگهداری و مراقبت از وی را بر عهده دارد

4. Blanchard, Amiot, Perreault, Vallarand & Provencher

5. Jonston & Finney

6. Reeve

7. Santrock

نقش سبک‌های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان ۴۷

دلبسته می‌شود و چگونه هنگامی که از این شخص جدا می‌شود، دچار تنش می‌گردد (برک، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۸). به عقیده بالبی برای تأمین سلامت روانی کودک برقراری روابط گرم و دائمی بین او و مادرش یا فردی که بتواند به طور شایسته جایگزین مادر شود ضروری است (باعزت؛ ایزدی‌فر و پیوسته‌گر، ۱۳۸۸).

دلبستگی در طول ۳ سال اول زندگی که بالبی آن را دوره حساس نامیده، تشکیل می‌شود (برک، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۸). در تشکیل دلبستگی، یادگیری نیز سهم به‌سزایی دارد. اگر مراقب نسبت به کودک بی‌توجهی نشان دهد، تعامل لازم بین مراقب و نوزاد نباشد و بازخورد مناسب به کودک داده نشود، دلبستگی ایمن شکل نخواهد گرفت و بر روی انواع ارتباطاتی که فرد با اطرافیان خود دارد تأثیر خواهد گذاشت (بشارت؛ فرهادی و گیلانی، ۱۳۸۵). به طور کلی چهار نوع سبک دلبستگی در متون روانشناسی معرفی می‌شود. این سبک‌ها عبارتند از: ۱- سبک دلبستگی ایمن^۸: نشانگر نوزادانی است که در کنار والد خود فعالانه به کشف و دست‌کاری محیط می‌پردازند. چون والد برای آن‌ها پایگاه امنی است (بشارت و همکاران، ۱۳۸۵). این کودکان در مدت کوتاهی که مادر از آن‌ها جداست توانایی کنار آمدن با استرس و اضطراب را دارند. چون اطمینان دارند مراقب آن‌ها در دسترس خواهد بود و به نیازهای آن‌ها پاسخ می‌دهد (سلیمانی، ۱۳۸۸)؛ ۲- دلبستگی اجتنابی^۹: بیانگر کودکانی است که در حضور مادر به کشف محیط اطراف خود نمی‌پردازند و از تماس با مادر و غریبه‌ها اجتناب می‌کنند (سیگل‌من و رایدر، ۲۰۰۹). بدین معنی که بین والد خود و یک فرد غریبه هیچ ترجیحی قائل نمی‌شوند، بیشتر اوقات مادر را نادیده گرفته و از او فاصله می‌گیرند. به نظر می‌رسد این کودکان نیاز به محبت را نادیده می‌گیرند (بردی ازونی داواجی، والی زاده و نیکمال^{۱۰}، ۲۰۱۰)؛ ۳- در سبک دلبستگی دوسوگرا^{۱۱}، نوزادان مضطرب هستند، حتی در حضور مادر برای بازی ریسک نمی‌کنند. بدین معنی که مادر برای آن‌ها پایگاه امن نیست. این کودکان در حضور مادر نیز با غریبه‌ها کاملاً با احتیاط برخورد می‌کنند (برک، ترجمه محمدی، ۱۳۸۸)؛ ۴- چهارمین نوع سبک دلبستگی، دلبستگی نامتمايز^{۱۲} است. در این سبک در مقایسه با سایر سبک‌های نالیمن، کودکان رفتارهایی از خود نشان می‌دهند

8. Secure

9. Avoidant attachment

10. Nikmal

11. Ambivalent attachment

12. Dismissive attachment

که از سازمان‌یافتگی و ثبات کمتری برخوردار است (سلیمانی، ۱۳۸۸). با وجود آن که این کودکان دارای ترکیبی از ویژگی‌های گروه دوم و سوم هستند، اما نسبت به آن‌ها ناامن‌ترند. کودکان با این سبک دلبستگی، برای کنترل احساسات منفی از قبیل اضطراب جدایی روش منظمی را در پیش نمی‌گیرند (سیگلمن و رایدنر، ۲۰۰۹).

چگونگی ارتباط والدین با فرزندان نقش اساسی در برآورده شدن نیازهای آنان دارد. به اعتقاد لاگاردیا، ریان، کوچمن و دسی^{۱۳} (۲۰۰۲) والدینی که محیط امن و همراه با صمیمیت برای فرزندان خود فراهم می‌کنند، ارضای نیازهای روان‌شناختی آن‌ها را تسهیل خواهند نمود و از این طریق به بهزیستی و سلامت روانی آن‌ها کمک می‌نمایند. در نظریه‌های مختلف از نیازهای روان‌شناختی تعاریف و طبقه‌بندی‌های متفاوتی ارائه شده است. جدیدترین آن‌ها نظریه خودتعیینی^{۱۴} ریان و دسی (۲۰۰۰) است. بر طبق این نظریه انسان‌ها دارای سه نیاز اساسی ذاتی و جهان شمول می‌باشند. این سه نیاز عبارتند از: نیاز به استقلال^{۱۵}، نیاز به شایستگی^{۱۶} و نیاز به مرتبط بودن^{۱۷}.

نیاز به استقلال عبارت است از تمایل به خود آغازگر بودن در انجام فعالیت‌ها و علت و منشأ رفتار خود بودن، به جای تحت کنترل عوامل بیرونی بودن (بلانچارد، و همکاران، ۲۰۰۹). استقلال مجموعه‌ای از رفتارها و مهارت‌های یاد گرفته شده است که فرد را قادر می‌سازد تصمیم‌گیری کرده و مسائل را حل کند (صفری، ۱۳۸۶). وقتی تصمیم می‌گیریم چه کاری را چگونه و چه موقع انجام دهیم، در واقع می‌خواهیم این تمایلات ما رفتارمان را تعیین کنند نه یک محیط کنترل‌کننده (شیخ‌الاسلامی و خیر، ۲۰۰۶). به عبارت دیگر در پی استقلال عمل در انجام فعالیت‌ها هستیم. سه ویژگی تجربی باید وجود داشته باشد تا فرد احساس استقلال کند؛ این سه ویژگی عبارتند از: درک منبع علیت^{۱۸}، درک انتخاب و اراده (ریو، ۲۰۰۱). ترجمه محمدی، ۱۳۸۲). هر چه فرد منبع علیت عمل خود را درونی‌تر ببیند، احساس کند از بین چندین انتخاب

13. LaGuardia, Ryan, Couchman, & Deci

14. Self determination

15. Autonomy

16. Competency

17. Relatedness

18. Perceived locus of causality

نقش سبک‌های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان ۴۹

می‌تواند دست به انتخاب بزند و برای انجام کارهای خود تحت فشار نیست و آن‌ها را از روی اراده انجام می‌دهد، احساس استقلال بیشتری خواهد داشت (پنتریچ و شانک^{۱۹}، ۲۰۰۲).

نیاز به شایستگی عبارت است از نیاز به توانایی در انجام تکالیف چالش برانگیز و مؤثر بودن در تعامل با محیط (جانستون، فینی، ۲۰۱۰). همه دوست دارند و می‌کوشند شایسته باشند و با محیطشان به نحو مؤثری تعامل داشته باشند (صفری، ۱۳۸۶). اگر فردی بخواهد به نحو مؤثری با محیط خود تعامل داشته باشد، باید مهارت‌های مختلف را کسب کند. برای این منظور باید این مهارت‌ها را تمرین کرده، ادامه داده و اصلاح کند. در واقع نیاز به شایستگی است که میل به جستجوی موقعیت‌های چالش‌انگیز را در فرد ایجاد می‌کند. در آن موقعیت‌ها فرد فرصت کسب مهارت‌ها را به دست می‌آورد و با تمرین این مهارت‌ها، بر محیط خود اثر گذاشته و احساس قابلیت می‌کند (دفترچی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۹). برای ارضای نیاز به شایستگی، فرد به بازخورد مثبت نیاز دارد. این بازخورد می‌تواند به وسیله خود تکلیف (انجام موفقیت‌آمیز یک تکلیف)، خود فرد (مقایسه عملکرد فعلی با قبل) و دیگران (تحسین) داده شود (ریو، ۲۰۰۱، ترجمه محمدی، ۱۳۸۲).

نیاز به مرتبط بودن عبارت است از نیاز افراد به اینکه احساس کنند با دیگران رابطه داشته و از جانب آن‌ها حمایت می‌شوند (جانستون و فینی، ۲۰۱۰). همه افراد تعامل اجتماعی، روابط گرم و صمیمی را دوست دارند (وی؛ شافر؛ یانگ و زاکالیک^{۲۰}، ۲۰۰۵). ارتباط با دیگران زمینه اجتماعی درونی‌سازی را فراهم می‌کند، فرایندی که از طریق آن فرد ارزش‌های بیرونی را به درونی تبدیل می‌کند (ریو، ۲۰۰۱، ترجمه محمدی، ۱۳۸۲).

نتایج پژوهش‌ها حاکی از اثر سبک دلبستگی بر احساس صلاحیت و شایستگی فرزندان است (لابل^{۲۱}، ۲۰۰۷). کودکانی که مراقبت و حساسیت مادرانه بیشتری را تجربه می‌کنند از شایستگی اجتماعی، شایستگی علمی و عزت نفس بیشتری برخوردارند (نوم، دکوویک و میوس^{۲۲}، ۲۰۰۲). همچنین این کودکان مستقلانه در محیط به کنکاش پرداخته (بلانچارد و همکاران، ۲۰۰۹) و از برقراری ارتباط با دیگران پرهیز نمی‌کنند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد برآورده شدن نیازهای عاطفی فرزندان یک متغیر تعدیل‌کننده بین انواع سبک‌های دلبستگی و هیجانات منفی همچون کمروبی و افسردگی است (وی و همکاران، ۲۰۰۵)، به

19. Pintrich & Schunk

20. Wei, Shaffer, Young, Zakalik

21. Laible

22. Noom, Dekovic & Meeus

عبارت دیگر سبک‌های دلبستگی ناایمن از طریق کاهش ارضاء نیازها منجر به افزایش هیجانات منفی در کودکان می‌شوند.

از جمله عواملی که هم در کیفیت دلبستگی و هم در برآورده شدن نیازهای کودک نقش مهمی ایفاء می‌کند، برخورداری از یک منبع دلبستگی است که به صورت باثباتی در ارتباط با کودک بوده و به طور مؤثری پاسخگوی نیازهای وی باشد. نتایج برخی پژوهش‌ها بیانگر آن است که فرزندان مادران شاغل چون زمان کمتری را با مادر خود سپری می‌کنند دلبستگی ایمن در آن‌ها شکل نخواهد گرفت و نیازهای روان‌شناختی آن‌ها به صورت مطلوبی برآورده نمی‌شود. از جمله خانجانی (۱۳۸۱) در تحقیق خود عنوان می‌کند که کودکان کمتر از ۳ سال که بیشتر از ۳۵ ساعت در هفته تحت مراقبت غیر مادرانه قرار می‌گیرند در معرض خطر دلبستگی ناایمن و مشکلات رفتاری اجتماعی (از دید مربی و نه مادر) قرار دارند. همچنین عطاریان (۱۳۸۸) در تحقیق خود عنوان کرده است اشتغال مادر موجب اختلال در شکل‌گیری دلبستگی کودک نسبت به مادر می‌شود. چرا که مراقبت کودک از حالت انفرادی به حالت گروهی درمی‌آید و در نهایت دلبستگی کودک نسبت به مادر از حالت طبیعی خارج می‌گردد. از طرف دیگر، نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهند که کمیت ارتباط والد-فرزند مهم نیست، بلکه کیفیت این رابطه است که در شکل‌گیری دلبستگی ایمن و مرتفع نمودن نیازهای کودک مؤثر است (سیگل‌من و رایدر، ۲۰۰۹). نتیجه تحقیق موسوی (۱۳۸۸) نیز نشان داد شاغل بودن مادر تأثیری بر عزت نفس دختران ندارد.

یکی از ویژگی‌های مهم سبک‌های دلبستگی و چگونگی پاسخگویی به نیاز فرزندان، اثرات نسبتاً پایدار آن‌ها بر روی ویژگی‌های روان‌شناختی و انواع ارتباطی است که افراد در سنین بعدی با دوستان، همسر و فرزندان خود خواهند داشت. نوجوانانی که در دوران کودکی از روابط ایمن با والدین‌شان بهره‌مند بوده‌اند، دارای رفتارهای سازگارانه می‌باشند (سیگل‌من و رایدر، ۲۰۰۹). این نوجوانان از اعتماد به نفس برخوردارند و در مدرسه عملکرد تحصیلی مطلوبی دارند (جاکوسین و هافمن^{۲۳}، ۱۹۹۷). سیمسون، کولینز، ترن و هایدون^{۲۴} (۲۰۰۷) در یک مطالعه طولی ۷۸ نوزاد را از سنین نوزادی تا ۲۰ سالگی دنبال کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که دلبستگی ایمن در موقعیت ناآشنا در یک سالگی، با کیفیت روابط با همسالان در دبستان مرتبط

23. Jacobsen & Hofmann

24. Simpson, Collins, Tran & Haydon

نقش سبک‌های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان ۵۱

می‌باشد و این نیز به نوبه خود روابط دوستی در نوجوانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. روابط دوستی دوران نوجوانی نیز کیفیت روابط عاطفی عاشقانه در اوایل بزرگسالی را پیش‌بینی می‌کند. علاوه بر این، هر چه بیشتر نیازهای روان‌شناختی افراد یک جامعه تحت حمایت اجتماعی و به خصوص خانواده قرار بگیرد، آن جامعه از سلامت روانی و بهزیستی بیشتری برخوردار می‌گردد (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۰). بنابراین با توجه به اهمیت سبک‌های دلبستگی و برآورده شدن نیازهای روان‌شناختی در کیفیت زندگی افراد، پژوهش حاضر به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی دانش‌آموزان با توجه به اشتغال مادران پرداخته است.

سؤالات تحقیق

- ۱- آیا سبک‌های دلبستگی می‌توانند ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان را پیش‌بینی نمایند؟
- ۲- آیا وضعیت اشتغال مادر می‌تواند ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان را پیش‌بینی نماید؟

روش پژوهش

مشارکت‌کنندگان

جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می‌باشد. مشارکت‌کنندگان شامل ۴۰۹ دانش‌آموز است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا از فهرست دبیرستان‌های نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شیراز ۲ مدرسه دخترانه و ۲ مدرسه پسرانه به صورت تصادفی انتخاب (در مجموع ۴ دبیرستان) و سپس از هر مدرسه یک کلاس از پایه اول، یک کلاس از پایه دوم و یک کلاس از پایه سوم به صورت تصادفی مورد آزمون قرار گرفتند. از کل افراد نمونه ۱۳۸ نفر دارای مادران شاغل و ۲۷۱ نفر دارای مادران غیر شاغل می‌باشند. شایان ذکر است که به لحاظ میزان تحصیلات تفاوت معناداری بین مادران شاغل و غیر شاغل وجود نداشت.

ابزارهای اندازه‌گیری

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی: این پرسشنامه به وسیله شارپ^{۲۵} و همکاران برای کودکان و نوجوانان بر مبنای مقیاس دلبستگی هازن و شاور^{۲۶} (۱۹۹۸)، به نقل از گیلبرت و آیرونز^{۲۷}، (۲۰۰۵) تهیه شده است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا را می‌سنجد. این پرسشنامه به وسیله محققین به فارسی ترجمه شد و سپس یک متخصص زبان انگلیسی ترجمه فارسی را به انگلیسی برگردانده و دو نسخه با یکدیگر مطابقت داده شد. پرسشنامه دارای ۱۰ گویه است که با طیف لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) پاسخ داده می‌شوند. به طور مثال گویه «غالباً از اینکه کسی به من خیلی نزدیک شود و با من رابطه صمیمی برقرار کند نگران نمی‌شوم» دلبستگی ایمن، «برقراری رابطه دوستانه با دیگران برایم آسان نیست» دلبستگی اجتنابی و «تصور می‌کنم نمی‌توانم به هنگام نیاز روی کمک دیگران حساب کنم» دلبستگی دو سوگرا را می‌سنجد.

در پژوهش‌های متعددی پایایی و روایی این پرسشنامه احراز گردیده است (برای مثال گیلبرت و آیرونز، ۲۰۰۵، سایت مطالعات دوره‌ای^{۲۸}، ۲۰۱۱). در این تحقیق برای محاسبه روایی پرسشنامه از روش تحلیل عامل استفاده شد. با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریمکس، مطابق با نسخه اصلی پرسشنامه، سه عامل به دست آمد. عامل اول دلبستگی ایمن، عامل دوم دلبستگی دو سوگرا و عامل سوم دلبستگی اجتنابی را می‌سنجد. (جدول ۱)

پایایی پرسشنامه نیز به شیوه بازآزمایی مورد بررسی قرار گرفت. به این منظور ۴۲ آزمودنی به فاصله یک ماه مورد آزمون و بازآزمون قرار گرفتند و ضرایب بازآزمایی برای دلبستگی ایمن ۰/۷۲، دلبستگی دو سوگرا ۰/۷۲ و دلبستگی اجتنابی ۰/۶۸ به دست آمد.

25. Sharp

26. Hazen & Shaver

27. Gilbert & Irons

28. Readperiodicals.com

نقش سبک‌های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان ۵۳

جدول (۱): نتایج تحلیل عامل پرسشنامه سبک‌های دلبستگی

عوامل			گویه‌ها
۳	۲	۱	
		۰/۸۴	۲
		۰/۸۳	۱
		۰/۴۶	۹
	۰/۶۶		۷
	۰/۶۲		۶
	۰/۵۴		۴
	۰/۴۴		۸
۰/۷۵			۳
۰/۶۰			۱۰
۰/۵۳			۵
۱/۳۴	۱/۶۲	۱/۹۴	ارزش ویژه
۱۳/۴۴	۱۶/۲۱	۱۹/۴۲	درصد کل واریانس
	۰/۶۰		KMO

مقیاس ارضای نیازهای اساسی (نسخه عمومی^{۲۹}): این مقیاس از روی «مقیاس نیازهای روان‌شناختی در کار» به وسیله گانیه^{۳۰} (۲۰۰۳) اقتباس شده است. این مقیاس برای استفاده در جامعه ایرانی به وسیله دفترچی (۱۳۸۹) به فارسی ترجمه گردیده و دارای ۲۱ گویه بوده و برآورده شدن سه نیاز به استقلال، شایستگی و مرتبط بودن را می‌سنجد. گویه‌های مقیاس با طیف لیکرت پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۵) پاسخ داده می‌شود. به طور مثال گویه «احساس می‌کنم که آزادم برای زندگی خودم

29. Basic Needs Satisfaction Scale in General

30. Gagne

تصمیم بگیرم» میزان ارضای نیاز به استقلال، گویه «اخیراً توانسته‌ام مهارت‌های جدید و جالبی بیاموزم» نیاز به شایستگی و گویه «کلاً افراد با من خیلی دوستانه برخورد می‌کنند» نیاز به پیوستگی را می‌سنجد. پایایی این مقیاس به وسیله وی و همکاران (۲۰۰۵) با استفاده از روش آلفا کرونباخ برای نیاز به استقلال ۰/۶۸، نیاز به شایستگی ۰/۷۵ و نیاز به مرتبط بودن ۰/۸۵ گزارش شده است. همچنین این محققین روایی مقیاس را در حد مطلوب گزارش کرده‌اند. دفترچی (۱۳۸۹) نیز پایایی و روایی این مقیاس را مورد تأیید قرار داده است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه به شیوه بازآزمایی با استفاده از ۴۲ آزمودنی و با فاصله زمانی یک ماه مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب پایایی برای ارضای نیاز به استقلال ۰/۸۸، نیاز به شایستگی ۰/۶۹ و نیاز به مرتبط بودن ۰/۷۸ به دست آمد. روایی مقیاس نیز با استفاده از محاسبه همبستگی نمره هر نیاز با نمره کل مقیاس بررسی گردید. ضرایب همبستگی ارضای نیاز به استقلال، نیاز به شایستگی و نیاز به مرتبط بودن با نمره کل مقیاس به ترتیب برابر بودند با ۰/۶۲، ۰/۸۶ و ۰/۵۹. لازم به ذکر است که در این تحقیق وضعیت اشتغال مادر به صورت شاغل و غیر شاغل طبقه‌بندی شد.

جدول (۲): ضرایب همبستگی بین سبک‌های دل‌بستگی و ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی (n=۴۰۹)

متغیرها	۱- دل‌بستگی ایمن	۲- دل‌بستگی اجتنابی	۳- دل‌بستگی دوسوگرا	۴- نیاز به شایستگی	۵- نیاز به استقلال	۶- نیاز به پیوستگی
۱	۱					
۲	۰/۱۹**	۱				
۳	۰/۱۰*	۰/۲۰**	۱			
۴	۰/۱۲*	۰/۳۳**	۰/۲۵**	۱		
۵	۰/۱۶**	۰/۳۳**	۰/۳۰**	۰/۶۲**	۱	
۶	۰/۴۲**	۰/۵۴**	۰/۲۱**	۰/۵۹**	۰/۵۴**	۱

*P=۰/۰۵

**P=۰/۰۱

یافته‌ها

برای ورود متغیرها به معادله رگرسیون ابتدا ماتریس همبستگی آن‌ها محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی در جدول ۲ آمده است. همان‌گونه که در جدول ۲ نشان داده شده است رابطه مثبت و معناداری بین سبک دلبستگی ایمن و ارضای نیاز به شایستگی، نیاز به استقلال و نیاز به پیوستگی وجود دارد. در مقابل سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با ارضای نیاز به شایستگی، نیاز به استقلال و نیاز به پیوستگی رابطه منفی و معنا داری نشان داده است.

جهت پاسخگویی به سؤال اول و دوم تحقیق سه رگرسیون چند متغیره به شیوه ورود همزمان به کار گرفته شد. در این رگرسیون‌ها سبک‌های دلبستگی و وضعیت اشتغال مادر به عنوان متغیرهای پیش‌بین و هر کدام از نیازهای اساسی روان‌شناختی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شدند. (جدول ۳)

جدول (۳): نتایج پیش‌بینی ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی بر اساس سبک‌های دلبستگی

و وضعیت اشتغال مادر

پیش‌بینی‌کننده‌ها	متغیر ملاک	ضریب استاندارد	p	R	R ²	F	P
سبک دلبستگی ایمن	سبک دلبستگی ایمن	۰/۰۴	NS	۰/۳۹	۰/۱۴	۹۴/۱۴	۰/۰۰۰۱
	سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۲۸	۰/۰۰۰۱				
	سبک دلبستگی دوسوگرا	-۰/۱۹	۰/۰۰۰۱				
	وضعیت اشتغال	۰/۳۰	NS				
سبک دلبستگی ایمن	سبک دلبستگی ایمن	۰/۰۷	NS	۰/۴۱	۰/۱۷	۱۷/۴۹	۰/۰۰۰۱
	سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۲۶	۰/۰۰۰۱				
	سبک دلبستگی	-۰/۲۵	۰/۰۰۰۱				

							دوسوگرا
				NS	۰/۰۷		وضعیت اشتغال
			۰/۶۲	۰/۰۰۰۱	۰/۲۹	ت.م.س.ع.:	سبک دلبستگی ایمن
۰/۰۰۰۱	۵۴/۸۳	۰/۳۹	۰/۶۲	۰/۰۰۰۱	-۰/۴۷		سبک دلبستگی اجتنابی
				۰/۰۴	-۰/۰۹		سبک دلبستگی دوسوگرا
				NS	۰/۰۲		وضعیت اشتغال

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود سبک دلبستگی ایمن ارضای نیاز به مرتبط بودن را به طور مثبت و معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند ($p < ۰/۰۰۰۱$ ، $\beta = ۰/۲۹$)، این سبک قادر به پیش‌بینی ارضای نیاز به شایستگی و نیاز به استقلال نمی‌باشد. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی ارضای نیاز به شایستگی ($p < ۰/۰۰۰۱$)، نیاز به استقلال ($p < ۰/۰۰۰۱$ ، $\beta = -۰/۲۸$)، نیاز به استقلال ($p < ۰/۰۰۰۱$ ، $\beta = -۰/۲۶$) و نیاز به مرتبط بودن ($p < ۰/۰۰۰۱$)، را به صورت منفی و معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. سبک دلبستگی دوسوگرا نیز قادر به پیش‌بینی منفی و معنی‌دار ارضای نیاز به شایستگی ($p < ۰/۰۰۰۱$ ، $\beta = -۰/۱۹$)، نیاز به استقلال ($p < ۰/۰۰۰۱$)، و نیاز به مرتبط بودن ($p < ۰/۰۴$ ، $\beta = -۰/۲۵$) می‌باشد. وضعیت اشتغال مادر نتوانسته است ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی دانش‌آموزان را پیش‌بینی نماید.

نتیجه

نتایج پژوهش حاضر نشان داد سبک دلبستگی ایمن ارضای نیاز به مرتبط بودن را در دانش‌آموزان به صورت مثبت و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا ارضای این نیاز را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کنند. به عبارت دیگر دانش‌آموزانی که از سبک دلبستگی ایمن بیشتر و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرایی کمتری برخوردار می‌باشند، نیاز به مرتبط بودن در آن‌ها بیشتر برآورده شده است. این یافته با نتایج تحقیقاتی که به رابطه سبک‌های دلبستگی با نیازهای فرزندان پرداخته‌اند، همسو می‌باشد (وی و همکاران، ۲۰۰۵،

نقش سبک‌های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان ۵۷

لیبل، ۲۰۰۷، نوم و همکاران، ۲۰۰۲). مطابق با نظریه دلبستگی، فرد برخوردار از دلبستگی ایمن از پایگاه امنی که مادر برای وی ایجاد نموده، استفاده کرده، به راحتی با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و احساس می‌کند در مواقع لزوم مورد حمایت دیگران است (سیگلمن و رایدنر، ۲۰۰۹). بر اساس نظریه اریکسون نیز افرادی که در اولین مرحله رشد روانی- اجتماعی از مراقبینی پاسخگو و حساس برخوردارند، نگرشی مثبت و توأم با اعتماد نسبت به دیگران و جهان پیرامون خود پیدا می‌کنند (سانتراک، ۲۰۰۹). بالطبع چنین افرادی احساس تعلق نسبت به دیگران نموده و نیاز آن‌ها به مرتبط بودن با دیگران بیشتر برآورده می‌شود. در مقابل افرادی که از سبک دلبستگی ناایمن برخوردارند، نه تنها مراقبین خود را نادیده گرفته بلکه تمایلی نیز به برقراری ارتباط و کسب حمایت از دیگران نشان نمی‌دهند (بردی ازونی داواجی، والی‌زاده، نیکمال، ۲۰۱۰).

در خصوص عدم پیش‌بینی ارضای نیازهای استقلال و شایستگی به وسیله سبک دلبستگی ایمن در این تحقیق، می‌توان گفت که در فرهنگ جامعه ما کنترل و نظارت بر فرزندان به عنوان یکی از نشانه‌های احساس مسئولیت و حساسیت والدین در برابر فرزندان به شمار می‌آید. به بیان دیگر اگرچه والدین در قبال نیازهای فرزندان خود پاسخگو بوده و به لحاظ عاطفی آن‌ها را مورد حمایت قرار می‌دهند اما در عین حال آزادی عمل چندانی به آن‌ها نمی‌دهند، بنابراین ضرورتاً سبک دلبستگی ایمن همراه با افزایش احساس استقلال و شایستگی در فرزندان نیست.

یافته دیگر پژوهش حاضر حاکی از آن است که سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا ارضای نیاز به شایستگی و استقلال را در دانش‌آموزان به صورت منفی پیش‌بینی می‌کنند. به این معنا که در دانش‌آموزان برخوردار از سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا ارضای نیاز به شایستگی و استقلال کاهش یافته است. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین مبنی بر اثر منفی سبک‌های دلبستگی ناایمن بر رشد صلاحیت‌ها و قابلیت‌های افراد هماهنگ است (حکیم‌الهی، ۱۳۸۹، وی و همکاران، ۲۰۰۵). در این رابطه می‌توان گفت زمانی که مادر بی‌تفاوت و طردکننده بوده و پاسخگوی نیازهای کودک نباشد و یا در شیوه تعامل وی با فرزندش ثبات و هماهنگی وجود نداشته باشد، دلبستگی ناایمن (اجتنابی یا دوسوگرا) شکل خواهد گرفت (سیگلمن و رایدنر، ۲۰۰۹). در این صورت به دلیل آن که فرزند، مراقب خود را به عنوان پایگاه قابل اطمینان نمی‌داند حتی در حضور وی نیز تمایلی به کشف محیط اطراف نشان نمی‌دهد (سلیمانی، ۱۳۸۸). در نتیجه از فرصت تسلط بر محیط و گسترش مهارت‌های خود باز می‌ماند و به دنبال آن، نیاز به شایستگی وی برآورده

نخواهد شد. همچنین این افراد از این که مستقلانه به جستجوی محیط اطراف بپردازند امتناع می‌کنند و خود را در انجام امور دارای حق انتخاب نمی‌دانند (شانک و پنتریچ، ۲۰۰۲).

نکته قابل توجه در نتایج پژوهش حاضر آن است که ضریب استاندارد سبک دلبستگی اجتنابی در پیش‌بینی ارضای نیازهای دانش‌آموزان در مقایسه با دو سبک دیگر بیشتر است. به ویژه این تفاوت در مورد برآورده شدن نیاز به مرتبط بودن مشهود است. قابل ذکر است که سبک دلبستگی اجتنابی غالباً در خانواده‌هایی شکل می‌گیرد که والدین محرک‌های بسیار زیاد یا بسیار کم برای فرزندان خود فراهم می‌آورند. برخی از این والدین طردکننده و غیر پاسخگو بوده، به خصوص زمانی که نیازهای کودک با برنامه‌های خودشان تداخل پیدا کند، رفتارهای طردکننده از خود نشان می‌دهند. همچنین گریه‌های کودک برای آن‌ها آزاردهنده است و به همین دلیل پاسخ‌دهی مناسبی به کودکان ندارند (میلز-کانس^{۳۱} و همکاران، ۲۰۰۷ به نقل از سیگلمن و رایدر، ۲۰۰۹). برخی دیگر از این والدین نیز تحریکات بسیاری برای فرزندان خود فراهم می‌کنند، حتی زمانی که فرزندان نیاز به آرامش و استراحت دارند، این فرصت را برای آن‌ها ایجاد نمی‌کنند که هیجانات خود را کنترل و تجدید انرژی نمایند (ایزابل و بلسکی^{۳۲}، ۱۹۹۱). بنابراین ممکن است فرزندان با سبک دلبستگی اجتنابی یاد بگیرند از درخواست‌های عاطفی به بزرگسالانی که از نظر آن‌ها یا دوست ندارند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و یا تحریکات بیش از حد آن‌ها موجب خستگی‌شان می‌شود، خودداری نمایند (سیگلمن و رایدر، ۲۰۰۹).

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که وضعیت اشتغال مادر نمی‌تواند ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان را پیش‌بینی نماید. نتایج تحقیقات قبلی در مورد اثر اشتغال مادر بر عواطف، ویژگی‌های شخصیتی، عملکرد تحصیلی و نیازهای کودکان متفاوت است. برخی از تحقیقات نشانگر اثر منفی (خانجانی، ۱۳۸۱ و عطاریان، ۱۳۸۸) و برخی دیگر یا بیانگر اثر مثبت بوده و یا تأثیر معناداری را گزارش نکرده‌اند (موسوی، ۱۳۸۸؛ اقدامی، ۱۳۸۵؛ احمدی و تقوی، ۱۳۸۲). احتمالاً نتایج متفاوت پژوهش‌ها بیانگر آن است که کیفیت رابطه مادر با کودک دارای اهمیت است نه کمیت آن. به عبارت دیگر صرف شاغل بودن یا نبودن مادر بر روی ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان تأثیرگذار نیست، بلکه مدت زمانی است که مادر در کنار فرزندان خود است، چگونه برقراری تعامل با آن‌ها، پاسخگو بودن و احساس مسئولیت در

31. Mills-Koonce

32. Isabella & Belsky

نقش سبک‌های دلبستگی در ارضای نیازهای اساسی روان‌شناختی فرزندان ۵۹

قبال نیازهای آنان، تعیین‌کننده است. علاوه بر این، نتایج پژوهش‌های قبلی حاکی از آن است که اشتغال مادر زمانی که با متغیرهای دیگر مانند نوع شغل، رضایت از شغل و نگرش نسبت به شغل همراه می‌شود، نتایج متفاوتی به دنبال دارد (احمدی و تقوی، ۱۳۸۲؛ اقدامی، ۱۳۸۵). برای نمونه اشتغال مادران برای فرزندان دوره ابتدایی سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بیشتری به همراه دارد و چنانچه اشتغال همراه با رضایت خاطر از انجام شغل باشد اثرات مثبت و مطلوبی بر فرزندان به جا می‌گذارد (احمدی و تقوی، ۱۳۸۲). بنابراین احتمالاً یکی دیگر از دلایل عدم وجود ارتباط معنادار بین اشتغال مادر و ارضای نیازهای فرزندان در پژوهش حاضر، می‌تواند ناشی از در نظر نگرفتن متغیرهای فوق باشد.

نتایج این پژوهش می‌تواند برای سازمان‌هایی که درگیر تعلیم و تربیت می‌باشند و همچنین مراکز مشاوره و خانواده‌ها رهگشا باشد. با توجه به اثر منفی سبک‌های دلبستگی نالایم بر نیازهای فرزندان، آموزش و پرورش و مراکز مشاوره می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی و ارائه مشاوره به والدین، آن‌ها را به اهمیت چگونگی تعامل با فرزندان‌شان و به ویژه عوارض بی‌توجهی و عدم پاسخگویی به نیازهای فرزندان واقف نموده و از این طریق زمینه افزایش کیفیت زندگی افراد جامعه را فراهم آورند. با توجه به آن که در پژوهش حاضر نوع شغل مادر و نگرش نسبت به شغل در نظر گرفته نشده است، توصیه می‌شود در تحقیقات آینده اثر این دو متغیر نیز بر سبک دلبستگی و برآورده شدن نیازها مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

- احمدی، علی اصغر؛ تقوی، سید حسن (۱۳۸۲) «تأثیر اشتغال مادران بر عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان»، فصلنامه پژوهش زنان، ۵، صص ۱۰۵-۱۲۴.
- باعزت، فرشته؛ ایزدی‌فر، راضیه؛ پیوسته‌گر، مهرانگیز (۱۳۸۸) «مقایسه سبک‌های دلبستگی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال رفتاری، نارساخوان و عادی»، مجله علوم رفتاری، ۳، ۳، صص ۲۳۱-۲۳۶.
- برک، لورا ای (۱۳۸۸) روانشناسی رشد: از لقا تا کودکی، ترجمه یحیی سید محمدی، جلد اول، انتشارات ارسباران: تهران.
- بشارت، محمدعلی؛ فرهاد، مهران؛ گیلانی، بیژن (۱۳۸۵) «بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و احساس غربت»، فصلنامه علمی- پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، ۲ و ۳، صص ۴۷-۲۳.

۶۰ زن در فرهنگ و هنر دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱

جعفرزاده، فرزانه؛ مقدم حسینی، وحیده؛ سلطانی فر، عاطفه؛ ابراهیمزاده، سعیده (۱۳۸۸) «بررسی ارتباط خشونت خانوادگی در دوران بارداری با دل بستگی مادر به شیرخوار»، فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی سبزوار، بهار ۱۳۸۸، شماره ۱۶، صص ۳۵-۴۲.

حکیم الهی، رؤیا (۱۳۸۹) «بررسی رابطه دل بستگی به والدین و همسالان و ابعاد جهت گیری مذهبی با شادکامی در دانش آموزان دبیرستانی شیراز»، پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

خانجانی، زینب (۱۳۸۱) «بررسی رابطه جدایی های موقت مادر-کودک با شکل گیری دل بستگی و مشکلات رفتاری کودکان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ۴۵، صص ۱۶۲-۱۲۷.

دفترچی، عفت (۱۳۸۹) «نقش برآورده شدن نیازهای اساسی روان شناختی در جهت گیری هدف و نشاط ذهنی دانش آموزان دوره دبیرستان»، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

دفترچی، عفت؛ شیخ الاسلامی، راضیه (۱۳۸۹) «رابطه برآورده شدن نیازهای روان شناختی در ارتباطات زناشویی با رضایت زناشویی در دانشجویان»، پنجمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، تهران.

ریو، مارشال (۱۳۸۲) انگیزش و هیجان، ترجمه سید یحیی محمدی، تهران: مؤسسه نشر ویرایش.

سلیمانی، حمیده (۱۳۸۸) «الگوی پیش بینی کنندگی سبک های دل بستگی کودک توسط هیجانات مادر در دو گروه دانش آموزان عادی و کم توان ذهنی آموزش پذیر دبستانی با توجه به جنسیت و وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده»، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه شیراز.

شیخ الاسلامی، راضیه (۱۳۹۰) «نقش رابطه ای رضایت از زندگی در رابطه بین خودتعیینی و بهداشت روانی»، مجله روانشناسی، ۵۷، صص ۸۹-۷۶.

صفری، هاجر (۱۳۸۶) «تأثیر هوش عاطفی و خودتعیینی بر کیفیت زندگی و ابعاد آن در گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز»، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

عطاریان، مریم (۱۳۸۸) اثرات مثبت و منفی اشتغال زنان، بازیابی شده در ۸۹/۶/۵ از

<http://www.banoo.net/thread-29704.html>

موسوی، سید رفیع (۱۳۸۸) تأثیر اشتغال مادران بر عزت نفس دختران، بازیابی شده در شهریور ماه ۸۹ از

http://www.aftabir.com/articles/view/applied_sciences/social_science.

محمدی، حمیده (۱۳۸۹) «نقش دل بستگی، ویژگی های شخصیتی و تاب آوری در گرایش دختران به فرار از خانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.

Berdi ozuni davaji R., Valizadeh, SH., Nikamal, M. (2010) The relationship between attachment styles and suicide ideation: The study of Turkmen students. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 5, 1190-1194.

Blanchard, C. M., Amiot, C. E., Perreault, S., Vallerand, R. J., Provencher, p. (2009) Cohesiveness coach, interpersonal style and psychological needs: Their effects on self-determination and athletes subjective well-being, *Journal of Counseling Psychology*, 52, 591-601.

- Gagne, M.** (2003) The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocially behavior engagement, *Motivation and Emotion*, 27, 199, 223.
- Gilbert, P., Irons, C.** (2005) Evoked mechanisms of anxiety and depression symptoms: The role of the attachment and social rank systems, *Journal of Adolescence*, 28, 325-341.
- Isabella, R. A., & Belsky, J.** (1991) International synchrony and the origins of infant-mother attachment: A replication study, *Child Development*, 62, 373-384.
- Jacobsen, T., & Hofmann, V.** (1997) Children's attachment representations: Longitudinal relations to school behavior and academic competency in middle childhood and adolescence. *Developmental Psychology*, 33, 703-710.
- Johnston, M., & Finney, S.** (2010) Measuring basic needs satisfaction: evaluating previous and conducting new psychometric evaluations of the basic needs satisfaction in general scale. *Psychology of Export and Exercis*, 11, 91-99.
- Laible, D.** (2007) Attachment with parents and peers in late adolescence :Links with emotional competence and social behavior, *Personality and Individual Differences*, 43, 1185-1197.
- LaGuardia, J. G, Ryan, R. M., Couchman, E., & Deci .E. L.** (2002) Within-Person Variation in Security of Attachment: A Self Determination Theory Perspective on Attachment, Need Fulfillment and Well-Being, *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 367-384.
- Noom, M. J., Decovic, M, Meeus, H. J.** (2002) Autonomy, attachment and psychological adjustment during adolescence: a double- edged sword, *Canadian Psychology*, 50, 219- 229.
- Pintrich, P. R. & Schunk, D. H.** (2002) *Motivation in education theory, Research and application*, Merrill, Prentice- Hall.
- <http://www.psych.rochester.edu/SDT>** (2010) Self-determination theory: An approach to human motivation & personality.
- readperiodicals.com/201107/2551773831.html** (2011) Contribution of Social Rank and Attachment Theory to Depression in a Non Clinical Sample of Adolescents.
- Ryan, R. M., Deci, E. L.** (2000). Intrinsic and extrinsic motivations: classic definitions and new directions, *Contemporary Educational Psychology*, 25, 54-67.
- Santrock, J. W.** (2009) *Child development*, Twelfth edition, McGraw-Hill, USA.
- Shaikholeslami, R., Khayyer, M.** (2006) Intrinsic motivation, Extrinsic motivation, and learning English as a foreign language. *Psychological Reports*, 99, 813-818.
- Sigelman, C. K., Rider, E. A.** (2009) *Life-span human development*, Sixth edition, Wadsworth Cengage Learning, USA.
- Simpson, J. A., Collins, W. A., Tran, S., & Haydon, K. C.** (2007) Attachment and the experience and expression of emotions in romantic relationships: A developmental perspective, *Journal of Personality and Social Psychology*, 92, 355-367
- Wei, M., Shaffer, P. A., Young, S. K., & Zakalik, R. A.** (2005) Adult attachment, shame, depression, and loneliness: the mediation role of basic psychological needs satisfaction, *Journal of Counseling Psychology*, 4, 591-601.



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی